

SEPARATE OPINION

Case No. 356

Chamber One

پرونده شماره ۳۵۶

شعبه یک

حکم شماره ۱-۳۵۶-۵۴۳

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحده
FILED	ثبت شد
DATE	21 JAN 1983
۳۷۱ / ۱۱۷	تاریخ

جون وارد ملکزاده،

سونیا ملکزاده،

علیرضا ملکزاده،

خواهانها،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

نظر جداگانه قاضی هولتزن در موافقت با بخشو مخالفت با بخش دیگری از حکم جزئی

۱ - در حکم جزئی صادره در پرونده حاضر صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای سه عضو خانواده ملکزاده تعیین شده است که عبارتند از مادری با دو فرزندش - دختری به نام سونیا و پسری به نام علیرضا. سه نفر مذکور تابعیت مضاعف دارند، به سبب آنکه طبق قوانین ایران تبعه ایران و طبق قوانین ایالات متحده تبعه ایالات متحده می‌باشند. بنابراین سوالی که مطرح می‌شود اینست که کدامیک از دو تابعیت غالب است، زیرا طبق تصمیم متخذه در پرونده الف - ۱۸ (۱) این دیوان فقط هنگامی صلاحیت رسیدگی به ادعای مطروح علیه ایران دارد که تابعیت "غالب و

(۱) تصمیم شماره الف ۱۸ - ۳۲ دیوان عمومی مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴]، چاپ شده در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251

موثر" خواهان از هنگام بروز ادعایی دعوی تا تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] یعنی تاریخ نفاذ بیانیه حل و فصل دعاوی (۲) تابعیت ایالات متحده بوده باشد. من با این نظر مندرج در حکم جزئی موافقم که تابعیت غالب و موثر مادر این دو فرزند طی دوره ذیربطه، تابعیت ایالات متحده بوده است و با کمال احترام با این نظر مخالفم که تابعیت غالب و موثر فرزندانش تابعیت ایالات متحده نبوده است و به منظور تشریح نظرات خود، مبادرت به نگارش این نظر جداگانه می‌نمایم.

۲ - خانم جون وارد ملک‌زاده در ایالات متحده متولد شد و تحصیل کرد و پس از ازدواج با یک ایرانی که در زمان تحصیل او در ایالات متحده با وی آشنا شد، طبق قوانین ایران خودبخود به تابعیت ایران درآمد. پس از ازدواج، زوجین ساکن ایران شدند و دو فرزند آنان در آنجا تولد یافتند. خواهانها در دسامبر ۱۹۷۸ و پیش از زمان ایجاد اولین ادعای مطروح در پرونده حاضر، به ایالات متحده نقل مکان کردند.

۳ - دیوان بعد از بررسی دقیق ادله موجود به درستی نظر داد که تابعیت غالب و موثر خانم ملک‌زاده طی دوره ذیربطه، تابعیت ایالات متحده بوده است و به ویژه اشعار داشت که :

مشارالیهها پس از عزیمت به ایران، سبک آمریکایی زندگی خود را حفظ کرد و شیوه زندگی ایرانی برنگزید، به نظر می‌رسد که وی در خانه خود آداب و سنن آمریکایی را حفظ می‌نمود و با فرزندان خود به انگلیسی سخن می‌گفت دیوان دلیلی حاکی از این امر نمی‌بیند که جون وارد

(۲) بیانیه دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر درباره حل و فصل دعاوی دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ / ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱) چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 9.

ملکزاده کاملاً و عمداً" در جامعه ایران جذب شده بود یا قصد داشت بطور دائم در ایران زندگی کند.

حکم جزئی - بند ۲۶. دیوان نتیجه‌گیری کرده است که "وابستگی چون وارد ملکزاده به ایالات متحده تحت‌الشعاع وابستگی وی به ایران قرار نگرفته است". بدین ترتیب، دیوان صلاحیت رسیدگی به دعوای وی را دارد. همان ماخذ بند ۲۸. من با این نتیجه‌گیری موافقم.

۴ - فرزندان خانم ملکزاده نیز براساس از دست دادن ادعایی اموالی که به نام هریک از آنها بوده است، ادعاهایی علیه ایران اقامه کرده‌اند. از لحاظ قوانین ایران، هر دوی فرزندان مذکور به سبب پدرشان ایرانی است، تبعه ایران و طبق قوانین ایالات متحده، به لحاظ آنکه از مادر آمریکایی در خارج از ایالات متحده متولد شده‌اند، اتباع ایالات متحده هستند. (۳) گذرنامه ایالات متحده به نام هریک از آنها صادر شده که گواه بر تابعیت آمریکایی آنهاست.

۵ - در حکم جزئی خاطر نشان شده است که: "فرزندان مذکور قبل از ایجاد ادعایی دعوایشان، قسمت اعظم عمر خود را در ایران گذارنده بودند." این اظهار درست است، ولی این سوال را پاسخ نمیدهد که کدامیک از تابعیت‌های آنها در طول دوره ذریب‌ت تابعیت غالب و موثر بوده است. حکم جزئی به این نتیجه می‌رسد که تابعیت ایرانی آنها غالب بوده است. نظر مزبور مبتنی بر این نتیجه‌گیری اساسی است که به نظر من اشتباه است:

(۳) پرونده ری‌موند عبود به عنوان ولی قهری کریسلین آریان عبود و جمهوری اسلامی ایران، بندهای ۳ و ۱۲ حکم شماره ۲-۳۸۳-۴۷۷ مورخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ [۱۶ مه ۱۹۹۰]، چاپ شده در 24 Iran-U.S. C.T.R. 266,267، پرونده شاهین شین ابراهیمی و دیگران و جمهوری اسلامی ایران. بند ۲۲ قراراعدادی شماره ۳ - ۴۴/۴۵/۴۶/۴۷ - ۷۱ مورخ ۲۶ خرداد ۱۳۶۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۸۹]، چاپ شده در 22 Iran-U.S. C.T.R 143

استنباط دیوان اینست که گرچه فرزندان ملک‌زاده از طریق مادرشان در معرض نفوذ فرهنگ آمریکایی قرار داشتند، اقامتشان در ایالات متحده در فاصله دسامبر ۱۹۷۸ تا ۲۹ دی‌ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] کوتاه‌تر از آن بود که آنان بتوانند کاملاً با جامعه آمریکا خو بگیرند. [تاکید اضافه شده است]

همان ماخذ، بند ۲۹. اینکه شخصی تا موقع ایجاد ادعایش با جامعه آمریکا خو گرفته بوده است یا خیر، عنصر اصلی نظر دیوان در تعیین تابعیت غالب و موثر [وی] طی دوره ذیربط بوده است. (۴) بدین ترتیب، به عنوان مثال، در پرونده منعیمی (۵) نیز موضوع مورد بررسی دو فرزند خردسال بودند که در ایران با مادری بزرگ شده بودند که تابعیت غالب و موثر وی به نظر [دیوان] تابعیت ایالات متحده بود، و سپس به ایالات متحده نقل مکان کرده بودند. در پرونده منعیمی دیوان با عباراتی تقریباً مشابه عبارات مندرج در حکم جزئی حاضر نظر داد که دوره اقامت فرزندان منعیمی در ایالات متحده قبل از ایجاد ادعایشان "برای جذب شدن در جامعه آمریکا بسیار کوتاه بوده است." حکم صادره در پرونده منعیمی بند ۳۱. لیکن وضع خانواده‌ها با یکدیگر متفاوت است و ادله موجود درباره فرزندان ملک‌زاده بطور قانع‌کننده‌ای نشان می‌دهد که آنان در واقع به سرعت جزو جامعه آمریکا شدند و تا هنگامی که

(۴) به عنوان مثال بنگرید به پرونده بتی لورا منعیمی و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران بند ۳۱ حکم جزئی شماره ۱-۲۷۴-۵۳۳ مورخ دهم تیرماه ۱۳۷۱ [اول ژوئیه ۱۹۹۲]، چاپ شده در -- Iran-U.S C.T.R. --، پرونده میشل دانیال پور و جمهوری اسلامی ایران، بند ۱۶ حکم شماره ۳-۱۶۸-۴۲۴، مورخ ۲۶ خرداد ۱۳۶۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۸۹]، چاپ شده در 22 Iran-U.S. C.T.R. 121، پرونده ابراهیمی مذکور در فوق، بند ۳۰، چاپ شده در 22 Iran-U.S. C.T.R 145، پرونده رضا سعید مالک و جمهوری اسلامی ایران بند ۲۵ قراراعدادی شماره ۳-۱۹۳-۶۸ مورخ دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳ ژوئن ۱۹۸۸]، چاپ شده در 19 Iran-U.S. C.T.R 55، مقایسه شود با پرونده محسن عسگری نظری و جمهوری اسلامی ایران بند ۱۶ قراراعدادی شماره ۱-۲۲۱-۷۹ مورخ ۲۵ دی‌ماه ۱۳۶۹ [۱۵ ژانویه ۱۹۹۱]، چاپ شده در 26 Iran-U.S. C.T.R 13.

(۵) پرونده بتی لورا منعیمی و جمهوری اسلامی ایران، مذکور در فوق.

دعایشان حسب ادعا ایجاد شد، کاملاً" با جامعه امریکا که خانواده آنها به آنجا نقل مکان کرده بودند، خو گرفته بودند.

۶ - اینکه فرزندان ملک‌زاده توانستند به سرعت با جامعه آمریکا خو بگیرند بعضاً" به این سبب بود که طی سالهای ۱۹۷۳، ۱۹۷۴، ۱۹۷۶ و ۱۹۷۸ آنها تمامی ماههای تابستان را در شهر کلینتن واقع در ایالت کنتاکی در خانه پدربزرگ و مادر بزرگ مادری خود گذارنده بودند. این دلیل مورد منازعه واقع نشده است که در طول این دیدارهای ممتد، آنان جزئی از یک خانواده آمریکایی وابسته به یکدیگر در یک جامعه نسبتاً" کوچک روستایی شده با خاله‌زاده‌ها و دایی‌زاده‌های خود و سایر بچه‌های محل بازی می‌کردند، در فعالیتهای اجتماعی شرکت داشتند و در کلیسای خود در کلاسهای درس مذهبی تابستانی حضور می‌یافتند. وقتی خانم ملک‌زاده و فرزندانش در سال ۱۹۷۸ از ایران به ایالات متحده نقل مکان کرد، این فرزندان مجدداً" در خانه پدربزرگ و مادربزرگ خود در کلینتن زیستند که به سبب دیدارهای قبلی خود، در آنجا کاملاً" احساس موانست می‌کردند.

۷ - این کودکان هنگامی که در دسامبر ۱۹۷۸ وارد کلینتن شدند، بلافاصله نامشان در دبستان دولتی محل ثبت شد. بچه کوچکتر که معلمش او را علی می‌نامید به کلاس اول و سونیا که بزرگتر بود به کلاس ششم رفت. شهادتنامه‌ای از هر یک از معلمین آنها جزو مدارک موجود در دیوان است. این شهادتنامه‌ها حاوی مشاهدات دقیق وضع این فرزندان بوده و کاملاً" قابل قبول است. هر دو معلم درجات لیسانس و فوق‌لیسانس در تعلیم و تربیت دارند و شهادتنامه‌های آنان گویای میزان آموزش و مراتب حرفه‌ای آنان است.

۸ - خانم بتسی فالکنر معلم کلاس اول، مشاهدات خود را از علی که با او از "نزدیک کار می‌کرده" چنین توصیف می‌نماید:

من به این نتیجه رسیدم که مهارت‌های یادگیری و زبان او کاملاً هم سطح سایر کودکان شش ساله در کلاس است ... علی با آنکه در اواسط سال تحصیلی به کلاس من آمد، بلافاصله با محیط جدید خود سازگاری حاصل کرد ... من کودکانی از کشورهای دیگر را دیده یا معلم آنها بوده‌ام که در فراگیری زبان یا سازگاری با محیط مشکل داشته‌اند... بسیاری از این قبیل کودکان گوشه‌گیر می‌شوند و یافتن دوستان تازه برایشان مشکل است... علی هیچک از این مشکلات یا نیازهای خاصی نداشت. بلافاصله با بچه‌های دیگر جوشید ... من فکر می‌کنم علت اینکه علی اینقدر براحتی سازگاری پیدا کرد اینست که مادرش آمریکایی بوده و از کودکی در خانه انگلیسی صحبت می‌کرده، کتابهای آمریکایی می‌خوانده و تلویزیون آمریکا را تماشا می‌کرده ... علی از وقتی وارد [کلینتن] شد، با داستانها و بازیهای کودکان آمریکایی آشنایی داشت. به این دلایل، من معتقدم علی هیچ مشکلی در تطبیق خود با محیط تازه‌اش نداشته است.
(تاکید اضافه شده است)

این عبارات، توصیف قابل قبولی از وضع کودکی است که در دسامبر ۱۹۷۸ یا مدت کمی بعد از آن، سریعاً و کاملاً جذب جامعه آمریکا شد.

۹ - خانم جون برالی، معلم سونیا نیز تصویر مشابهی از کودکی بدست می‌دهد که بخوبی با جامعه‌اش سازگاری پیدا کرده است. شهادتنامه خانم برالی نشانگر مشاهده دقیق و تخصصی سونیاست که یکی از شاگردان کلاسی بوده با "تقریباً" ۲۸ نفر شاگرد. وی سونیا را "کودکی شاد" توصیف می‌کند که "سرزبان دار بود و انگلیسی را بدون لهجه خارجی صحبت می‌کرد." خانم برالی اضافه می‌کند که:

با آنکه سونیا در اواسط سال تحصیلی به کلاس من آمد،
به سرعت جا افتاد و هیچ مشکلی در همگامی با
همکلاسیهایش نداشت. او پر جنبش و معاشرتی و سازگار
بود و بلافاصله با همکلاسیهایش دوست شد. من مطمئنم
که نحوه تربیت او و اینکه بچه باهوشی بود سازگاری او را
با محیط آسانتر کرد. (تاکید اضافه شده است)

بدین ترتیب، ادله عینی وجود دارد دایر براینکه سونیا مانند برادرش، به سرعت با
جامعه آمریکا که وارد آن شد سازگار گردید، و خو گرفت.

۱۰ - در حکم جزئی بدرستی ذکر شده است که: "فرزندان ملکزاده نه تنها با مادرشان،
بلکه ضمناً با پدرشان که اصلاً ایرانی بود زندگی می‌کردند." بند ۲۹ حکم. در
سوابق پرونده ادله و شواهدی از رابطه آقای ملکزاده با فرزندانش دیده نمی‌شود.
لیکن از شهادتنامه دو خانم معلم و نیز از ادله مستند مربوط به تعمیم این فرزندان
در کلیسای فرست باپتیست کمی پس از ورود آنها به کلینتن، منطقاً می‌توان
استنتاج کرد که آقای ملکزاده مانعی در راه خو گرفتن فرزندانش با زندگی
آمریکایی ایجاد نمی‌کرد.

۱۱ - بدلائل فوق، من چنین نتیجه می‌گیرم که تابعیت غالب و موثر فرزندان ملکزاده از
آغاز دوره ذیربط و در طول آن، تابعیت ایالات متحده بوده است. بنابراین با کمال
احترام باید مخالفت خود را با نظر مندرج در حکم جزئی اعلام کنم که دیوان را
فاقد صلاحیت رسیدگی به دعاوی آنها دانسته است.



هوارد ام. هولتزمن

لاسه بتاريخ ۱ بهمن ۱۳۷۱ برابر با ۲۱ ژانویه ۱۹۹۳